

## حقوق بهداشت محیط زیست از منظر فقه

دکتر عبدالقادر محمدی<sup>۱</sup> | دکتر سید رسول آقایی<sup>۲</sup>

### چکیده

اعمال و رفتار بشر با محیط زیست ارتباط مستقیم دارند و هر عملی در گستره‌ی یکی از احکام پنج‌گانه‌ی تکلیفی (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) قرار می‌گیرد. از این رو، باید پرسید: آیا افعال بشر در محیط زیست دارای حکم شرعی است؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی با هدف حمایت از حقوق بهداشت محیط زیست احکام فقهی افعال بشر را در مورد محیط زیست بررسی نموده تا از طریق احکام کیفری الهی (حرام و مکروه) رویکرد بازدارنده‌ی را جهت اجتناب از رفتارهای زیان‌رسان بشر به محیط زیست تبیین نماید و با تشویق کسب پاداش‌های الهی (متناظر به احکام واجب و مستحب) در پاکیزگی و بهداشت محیط زیست، کمک کند. پیشینه‌ی احکام شرعی افعال مفید یا زیان‌بار انسان در مورد محیط زیست به قدمت تاریخ التزام انسان به تکالیف الهی، بازمی‌گردد که توسط انبیاء الهی و اوصیاء معصوم آنان، قوانین و احکام الهی برای هدایت بشر بیان شده است. انسان در قبال حقوق بهداشت و نظافت آب و خاک و هوا و دیگر عناصر زیست محیطی (به عنوان نعمت‌های الهی)، مسئولیت دارد و اعمال بشر در این زمینه با یکی از احکام تکلیفی فقه تطبیق می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** افعال انسان. محیط زیست. حقوق بهداشت. فقه. آلودگی.

۱. دکترای فلسفه و عرفان، استاد مجتمع آموزشی صادقیه، جامعه المصطفی؛ کابل (نویسنده‌ی مسئول)

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه - قم.

## مقدمه

آیا رفتارهای زیانبار بشر نسبت به محیط زیست با احکام فقهی حرام یا مکروه مواجه خواهد بود؟ رفتارهای مفید بشر در مورد محیط زیست با چه احکام فقهی ارتباط دارد؟ شناخت حقوق محیط زیست و کمک به بهبود آن از طریق کاهش تولید آلاینده‌ها با رویکردهای مختلف قابل تحقیق است. در این نوشتار تلاش شده است با کمک قواعد فقهی، ارتباط اعمال و رفتار بشر با محیط زیست سنجیده شود تا احکام آن‌ها نسبت به محیط زیست با استناد به قواعد فقهی مشخص گردد. از این رو، آن دسته از افعال و کارهای زیانبار بشر در زمینه‌ی محیط زیست که در گستره‌ی احکام تکلیفی «حرام و مکروه» قرار می‌گیرند، لازم است، ترک گردند. در مقابل، راهکارهایی برای انجام کارهای مفید نسبت به محیط زیست نشان داده خواهد شد که در قلمرو احکام تکلیفی «واجب، مستحب و مباح» واقع می‌شوند.

## مفهوم شناسی

### ۱. معانی لغوی

أ. «محیط زیست» در زبان فارسی واژه‌ی ترکیبی است که از دو کلمه‌ی «محیط» و «زیست» تشکیل شده. کلمه‌ی «محیط»، اسم فاعل به فراگیر، دربرگیرنده و احاطه کننده معنا شده؛ کلمه‌ی «زیست» به معنای زندگی کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳: ۲۸۰). براین اساس، عبارت ترکیبی «محیط زیست» به معنای محل طبیعی زیست و زندگی انسان‌ها، جانداران، گیاهان و اشجار است که عناصر بنیادی آن را، «آب، خاک و هوا» تشکیل می‌دهند. لغت نویسان معانی متعدد برای کلمه‌ی «محیط» ذکر نموده اند که از میان آنها، معنای ذیل با پژوهش کنونی مناسب است. «محیط» در این معنا عبارت است از: «مکانی با اوضاع و احوال و عوامل اثر گذار آن؛ آنچه شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول است» (انوری، ۱۳۸۱، ۷: ۳۶۰).

ب. «محیط زیست»، در زبان عربی با تعبیر «البيئة»-از ریشه‌ی «بوا»-به معنای منزل و مکان است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۱۰: ۴۴۴). کلمه‌ی «بيئة» در عربی به معنای منزل، محیط و سکنی گزیدن در مکان، به کار رفته و بر هر مکانی که افراد در آن زیست و زندگی



نماید، «بیئة» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱: ۳۱۲. ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱: ۳۶).

ج. در زبان انگلیسی واژه‌ی «environment» به معنای محیط زیست است و مشتقات این کلمه نیز در زمینه‌ی محیط زیست مورد بررسی قرار گرفته (Oxford advanced learner's English dictionary). واژه‌ی «environmental» به‌عنوان صفت، نیز سه معنای مرتبط با محیط زیست دارد: ۱. به معنای «محیط و مکان»؛ ۲. شرایط و اوضاع محیطی، مکانی خاص متأثر از اکولوژی که به خاطر تغییر محیط زیست مورد توجه قرار گرفته باشد؛ ۳. عوامل احتمالی خاص که از محیط زیست نشأت خواهند گرفت.

## ۲. معانی اصطلاحی

اصطلاح «محیط زیست» مانند دیگر اصطلاحات علمی معنای خاصی دارد که توسط نظریه پردازان و نویسندگان نسبت به معنای مورد نظر پدید آمده و در هر زبانی علی‌رغم مفهوم واحد با الفاظ و کلمات متفاوت یاد می‌شود.

۱. محیط را می‌توان به صورت همه‌ی منابع و عوامل خارجی تعریف کرد که شخص یا انبوهی از اشخاص به گونه‌ی بالفعل یا بالقوه در برابر آن واکنش نشان می‌دهند (گولد، ۱۳۷۶: ۷۵۸).

۲. «محیط زیست» (environment) لایه‌ی نازک حیات و پشتیبان‌های آن که کلاً زیست کره نامیده می‌شود و شامل هوا، خاک، آب و موجودات زنده است. جوی که کره‌ی زمین را از زیان حاصل از تابش بیش از حد اشعه فرابنفش در امان می‌دارد و حیات را امکان پذیر می‌سازد، آمیزه‌ی گازی از نیتروژن (ازت) و ترکیب‌ها و ذرات غبار است (جمعی از پدیدآورندگان، ۱۳۸۹، ۱۵: ۲۴۰).

۴. کنفرانس بین المللی که توسط سازمان ملل در سوئد (۱۹۷۲م) در مورد محیط زیست برگزار شد، تعریف جامع از محیط زیست ارائه نموده است: «محیط زیست مجموعه‌ی از نظم طبیعی، اجتماعی و فرهنگی است که انسان و موجودات دیگر نیازهای شان را از آن به دست می‌آورند و در آن فعالیت می‌کنند» (الحمودی، ۱۴۲۵: ۱۵).

## ۳. تعریف آلودگی محیط زیست

آلودگی محیط زیست عبارت است از: «وجود ماده یا مواد بیگانه در اشیاء محیط زیست که آن‌ها را غیر قابل استفاده نماید یا استفاده‌ی آن‌ها محدود گردد» (همان). بنابراین،



آلودگی‌ها: «مواد یا میکروب‌های هستند که به انسان ضرر وارد می‌کنند و سلامتی انسان را به خطر می‌اندازند، سبب پدید آمدن امراض می‌گردد که ممکن است به نابودی و مرگ انسان منجر گردد» (غرایبه و الفرحان، ۲۰۰۰م: ۱۸۰).

از نظر برخی از لغت نویسان، آلودگی محسوس عناصر محیط زیست آن است که مواد دیگری با عناصر محیط زیست مخلوط گردد و عناصر محیط زیست را آلوده نماید، از قبیل مخلوط شدن (گِل با) آب که کَدِر و تیره گردد (ابن منظور، ۱۳۸۹، ۱۰: ۳۵۳). به تعبیر دیگر، آلودگی عناصر محیط زیست مانند آب، هوا و خاک با مواد مضر غیر از خودشان (مصطفی و همکاران، ۱۹۸۹، ۲: ۸۴۴).

### دلائل فقهی پیشگیری از آلودگی محیط زیست

مهمترین دلائل نقلی، فقهی و عقلی زیر که جهت استناد «جلوگیری از آلودگی محیط زیست» در راستای استدلال حقوق هریک از عناصر آب و هوا و خاک به کار گرفته می‌شوند:

۱. نهی عام از آزار و اذیت انسان؛ عمومات روایی که آزار و اذیت انسان را ممنوع اعلا نموده اند.

۲. دلائل عام نظافتی-بهداشتی انسان.

۳. دلائل خاص متناظر به مسائل زیست محیطی.

۴. دلائل عقلی که زشتی آلودگی محیط زیست را عقل سلیم درک می‌کند؛ مانند إدراک عقلی لزوم دفع ضرر محتمل.

۵. قاعده‌ی روایی-فقهی لاضرر.

۶. قاعده‌ی حرمت تعدی.

۷. قاعده‌ی حرمت إتلاف.

محیط زیست متعلق به همه‌ی جانداران ساکن آن است و هر نوع آلودگی فردی یا گروهی، خانگی، شهری یا صنعتی که باعث اذیت و آسیب ساکنان محیط زیست از جمله باعث آزار و آسیب انسان گردد با استناد به قواعد فقهی حرام است. دلایل مذکور به عنوان نقشه‌ی کلی احکام فقه اسلامی در صیانت از حقوق محیط زیست و پیشگیری از آلودگی محیط زیست مورد استناد واقع خواهد شد.





## ۱. دلیل عام ممنوعیت آلوده کردن مَطَهَّرات (آب و خاک)

مطهرات و پاک کننده‌های متعددی برای جسم انسان، لباس و مکان نمازگزار در آثار فقهی مورد بحث قرار گرفته است. مهمترین مطهرات فقهی که نجاسات جسم، لباس، فرش و دیوار را پاک می‌کنند یا شرط تطهیر شرعی اشیاء نجس شمرده شده، آب، خاک و آفتاب اند. بنابراین، حکم فقهی و آلوده کردن مطهرات بدون دلیل موجه در غیر از مواردی که شرع مجاز شمرده است، به حکم عقل و نقل، جایز نیست. اما در مواردی از قبیل نظافت و تطهیر نمودن بدن به خصوص محل‌های بول و غائط، شستشوی خون از بدن و لباس برای عبادت که واجب است، همچنین وجوب شستشوی مکان‌های مانند مساجد و غیره در صورتی که با نجاست آلوده شوند، مواردی هستند که واجب است با آب تطهیر گردد.

بنابراین، در چنین مواردی که نظافت و طهارت محل‌های آلوده توسط آب پاک می‌شوند، سبب آلودگی آب‌های مصرف شده می‌گردد که از نظر شرع آلودگی محدود آب در این موارد ایرادی ندارد. بلکه یکی از موارد اصلی استعمال آب در همین موارد است که نظافت و طهارت انسان حاصل شود. نظافت انسان و محل‌های سکونت وی در واقع خود حمایت از محیط زیست و صیانت از بهداشت محیط زیست به‌شمار می‌آید. البته اسراف آب در تمام موارد حرام است، حتی ممنوع بودن اسراف آب در موارد ذیل نیز تأکید شده است: ممنوعیت اسراف «آب» برای وضو و غسل واجب، همچنین ممنوعیت اسراف در شستشوی لباس و بدن که به‌عنوان مقدمه‌ی انجام تکالیف الهی و عبادات، واجب است پاکیزه گردند.

## ۲. حکم جلوگیری از آلودگی آب‌های زیرزمینی

فاصله‌ی فقهی «چاه آب شرب» با «چاه فاضلاب» در فقه اسلامی با نگاهی رعایت مسئله‌ی بهداشت و سلامت انسان، بررسی شده است. اغلب فقیهان دوری و نزدیکی میان دو چاه مذکور را مبتنی به روایات موجود در این زمینه به‌لحاظ سختی و نرمی زمین چاه، بررسی نموده اند.

در زمین نرم و پایین‌تر بودن «چاه آب» از «چاه فاضلاب»، لازم است فاصله‌ی آنها هفت ذراع باشد (حدود چهار متر)؛ ولی در زمین سخت یا اینکه جایگاه چاه آب بالاتر از چاه فاضلاب باشد، فاصله‌ی پنج ذراع میان آنها کفایت می‌کند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۱: ۱۳-۱۴).



به هر حال، بحث‌های مفصل فقهی راجع به فاصله‌ی شرعی «چاه آب شرب» (بئر) و «چاه فاضلاب» (بالوعه) را می‌توان به نوعی فقه محیط زیست نامید. زیرا دقت‌های ژرف فقیهان در این زمینه که برگرفته از روایات معصومین: است به‌خاطر رعایت بهداشت و تأمین سلامت انسان بوده است تا این‌که با ملاحظه‌ی رعایت فاصله‌ی چاه آب و چاه فاضلاب از انتقال آلودگی به آب شرب جلوگیری شود.

### ۳. ارتباط حکم فقهی استنجاء با بهداشت محیط زیست

استنجاء که تطهیر و پاک نمودن محل خروج نجاسات آدمی است به صورت مستقیم با بهداشت، نظافت و سلامت بشر مرتبط است؛ از این رو، تطهیر جای نجاسات، برای انسان مفید و باعث سلامتی وی است. زیرا میکروب‌هایی که با بول و مدفوع خارج می‌شوند در محل ادرار و محل مدفوع انسان باقی می‌مانند. به عنوان مثال، ویروس‌های متعددی از قبیل: «مالاریا»، «وبا»، «سِل»، «هپاتیت»، «انگل»، ویروس «فلج اطفال» و غیره از طریق لباس کسی که محل‌های نجاست بول و غائط را با آب، پاک نکرده امکان دارد به دیگران منتقل گردد. همچنانکه «استنجاء» و تطهیر محل خروج نجاسات به صورت غیر مستقیم با بهداشت و سلامت کل محیط زیست ارتباط دارد. بنابراین، پاک نکردن و عدم تطهیر محل‌های خروج نجاسات ادرار و غائط، از طریق استنجاء شرعی، سبب آلودگی محیط زیست می‌شود و آلودگی انسان‌های بیشتر و دیگر جانداران را به دنبال خواهد داشت.

### ۴. دلائل نقلی و فقهی عام بهداشت و نظافت

بهداشت و نظافت به صورت کلی در اسلام همواره تأکید شده و سیره‌ی معصومین: الگوی خوبی در این زمینه است. سیره‌ی عملی معصومین: حکایت از پاکیزگی و نظافت آن بزرگواران دارد. تفکر علمی آنان که به نام احادیث در منابع روایی موجود است، نظافت و بهداشت را دارای اهمیت خاص دانسته، به گونه‌ی که نظافت جزء ایمان انسان مؤمن شمرده است. پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمود: بعد از غذا، خلال نمایند، این کار جزء نظافت است و نظافت جزء ایمان است و ایمان، در بهشت همراه انسان مؤمن می‌باشد (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۶: ۳۱۹).



بنابراین، ارشادهای دینی نسبت به نظافت و بهداشت انسان با پاکیزگی محیط زیست ارتباط دارد، زیرا انسان به عنوان جاندار عاقل، همانطور که در آلودگی محیط زیست نقش منفی دارد، با رعایت بهداشت و نظافت شخصی و جمعی می تواند در پاکیزگی محیط زیست نقش مثبت داشته باشد.

نظافت و بهداشت برخی مکان ها از منظر فقه اسلامی تأکید شده و آلوده کردن اماکن خاص ممنوع اعلام شده است. برخی از این مکان ها که آلوده کردن آنها با نجاسات بول و غائط ممنوع اعلام شده از این قبیل است:

- ۱- مکروه بودن دفع نجاسات بول و غائط در مسیر راه عبور و مرور مردم. ۲- مکروه بودن دفع نجاسات بول و غائط در راه و مسیر آب. ۳- مکروه بودن دفع نجاسات بول و غائط در حریم خانه ها. ۴- مکروه بودن دفع نجاسات بول و غائط در محل های اجتماع مردم. ۵- مکروه بودن دفع نجاسات بول و غائط زیر درختان میوه. ۶- مکروه بودن دفع نجاسات بول و غائط در مکان هایی مانند پارک و غیره که برای تفریح استفاده می شوند.

براین اساس، از منظر شرع مطلوب نیست که در چنین اماکنی انسان نجاست نماید، ولی باتوجه به ممنوع بودن اذیت و آزار انسانها حتی از طریق نجاست نمودن در اماکن عمومی مذکور، می توان گفت، نهی کراهتی-تزیهیی که از نجاست نمودن در مکان های فوق منع نموده است، به نهی تحریمی تغییر می یابد و حکم نجاست کردن در چنین مکانهایی به خاطر آلودگی محیط زیست، حرام خواهد بود. از این رو، تخلی و نجاست کردن در مکانهای مذکور به عنوان مثال در فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفته و هر مکانی که به لحاظ کاربرد، مشابه این اماکن باشد، حکم فقهی حرمت بول و غائط نمودن در آن نیز منطبق می گردد.

فقه اسلامی در زمینه بهداشت و نظافت انسان به خاطر شرط طهارت جسم، لباس و مکان در انجام صحیح تکالیف الهی، احکام خاص دارد. از این رو، أفعال انسان مکلف با نظافت و بهداشت محیط زیست ارتباط دارد. در گذشته از یک سو جمعیت انسان ها اندک بود و از سوی دیگر، سبک زندگی انسان روستایی بود. نظافت و بهداشت در چنین دورانی نسبت به زمان کنونی تفاوت زیاد داشت، به خصوص این که نجاسات بول و غائط یا در محیط باز دور تر از منازل، دفع می شدند یا در چاله های به نام خاک انداز (بیت الخلا)، دفع



می‌شدند. به هر حال، نجاسات انسانی به نوبه‌ی خود از گذشته تا به حال یکی از منشأهای آلودگی محیط زیست به‌شمار می‌آید. براین اساس، فقه اسلامی رویکردهای شرعی را جهت بهبود نظافت و بهداشت انسان ارائه نموده است؛ نهی از ادرار ایستاده در فقه اسلامی که خاستگاه روایی دارد از جهات متعدد قابل بررسی است. نخست این که بول ایستاده برای هر انسانی حتی برای کودکان، ضرر دارد؛ زیرا از یک سو لباس و بدن انسان، نجس و آلوده می‌گردد و از سوی دیگر، ادرار ایستاده که به اطراف پخش می‌شود، آلودگی محیط زیست را به دنبال دارد. اضافه براین، میکروب‌های شخص آلوده به نجاست بول به دیگران منتقل می‌گردد؛ در صورتی که لباس آلوده به نجاست خیس باشد، دیگر لباس‌های پاک را نیز نجس و آلوده می‌کند و نماز با لباس آلوده باطل است.

پاکیزگی و طهارت انسان در کتاب و سنت معصومین<sup>(ع)</sup> همواره تأکید شده و حکمت این گونه تأکیدهای دینی این است که انسان همواره با طهارت و به‌یاد و ذکر خداوند مشغول باشد. در مقابل، نجس بودن لباس و بدن انسان آن هم در حال اختیار توسط خود شخص که ایستاده نجاستش را مانند بهائم و چهارپایان رها کند، علاوه بر آلودگی خود و لباس و آلوده کردن محیط زیست، از طریق انتشار بوی نجاست، باعث اذیت و آزار دیگران خواهد شد که از این کار جهتی گناه به‌شمار می‌آید و از جهت دیگر، فرشتگان از چنین شخصی، متنفر و بیزار اند، در نتیجه، شخص آلوده به ادرار و نجاسات مورد غضب خداوند قرار می‌گیرد. «و یکره البول قائما، حذرا من تخبیل الشیطان». ایستاده ادرار کردن مکروه است (این کار را انجام ندهد) تا از بیماری حماقت و دیوانگی میکروب دور بماند (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۴۳. علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱: ۲۴۳).

کلمه‌ی «تخیل» مصدر باب تفعیل است و هریک از مصادر فعل ثلاثی (خَبَلَ) و رباعی «خَبَلَ» به معنای درهم کردن، مشوش و دیوانه کردن، دیوانگی و فاسد بودن عقل است (زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۴: ۱۸۹). براین اساس، واژه‌ی «تخیل» در جمله‌ی فقهی فوق به معنای دوری کردن از بیماری و آلودگی است و کلمه‌ی «شیطان» کنایه از وجود میکروب خواهد بود که از طریق ادرار ایستاده پخش می‌شود. همچنانکه با توجه به معنای لغوی «تخیل» می‌توان به معنای دوری از حماقت و دیوانگی، معنا نمود. براین اساس، دستور



گزاره‌ی فقهی فوق این است که «از اِدرار کردن ایستاده دوری کنید تا از تخییل شیطان بر حذر باشید، یعنی از دیوانگی و کم عقلی دور بمانید». زیرا ایستاده اِدرار کردن سبب انتشار آلودگی می‌شود و میکروب‌های موجود در اِدرار به‌دیگران نیز نفوذ می‌کند. در واقع ایستاده بول کردن نشانگر بی‌خردی و حماقت شخص است، همچنانکه «مَخْبُول» اسم مفعول (فعل ثلاثی «خَبَلَ»)، به‌معنای دیوانه، احمق، خُل و چل بودن شخص است.

بنابراین، اگرچه بول ایستاده از منظر فقه مکروه است و نهی روایی در این زمینه به‌معنای نامطلوب بودن انجام این کار است، در نتیجه چنین منع و نهی کراهتی-تنزیهی خواهد بود. ولی، اگر اِدرار به‌طور ایستاده باعث نجس شدن دیگران و آلودگی محیط زیست و جانداران گردد به‌دلیل حرمت ضرر و زیان زدن به‌دیگران، قطعاً حرام است و موضوع حرمت اضرار به دیگران و به محیط زیست، موضوع کراهت را بر می‌دارد، در نتیجه نهی از اِدرار ایستاده با وجود شرط مذکور (اضرار) به نهی تحریمی تغییر می‌یابد.

به‌تعبیر دیگر، نهی از ایستاده بول کردن، به‌حکم اُولی مکروه است، اما به‌حکم ثانوی با ملاحظه‌ی ممنوعیت ضرر وارد نمودن به محیط زیست و دیگران، ایستاده اِدرار کردن عمل حرام به‌شمار می‌آید.

در واقع با تغییر موضوع اِدرار غیر زیان‌بار که حکم فقهی آن کراهت است به‌موضوع اِدرار زیان‌بار که باعث آسیب محیط زیست و انتشار میکروب‌ها گردد، حکم چنین عملی، به‌حرمت تغییر می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۵۱).

#### ۴-۱. ممنوعیت غائط و ادرار نمودن در معابر عمومی (کوچه و خیابان)

معابر و راه‌های عمومی مانند کوچه‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها و هر نوع مکانی که محل رفت و آمد مردم به‌شمار آید، از منظر فقه ممنوع است. اگرچه منع فقه در این موارد در مرتبه‌ی نخست، منع کراهتی-تنزیهی است (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۴۲). به‌این‌معنا که انجام چنین کاری نزد خداوند مطلوب نیست، ولی گناه هم حساب نخواهد شد. اما باتوجه به پیامدهای منفی دفع نجاسات در معابر عمومی، منع و نهی کراهتی به منع و نهی تحریمی تغییر می‌یابد و گناه شمرده می‌شود که جزء گناهان انسان آلوده کننده ثبت خواهد شد. زیرا، نجس نمودن معابر عمومی به‌لحاظ بهداشتی و نظافتی، سبب آلودگی محیط زیست

می‌گردد و انتشار میکروب نجاسات در معابر باعث مریضی دیگران خواهد شد. اضافه براین، مردم با دیدن مکان‌های آلوده به نجاسات مانند ادرار، مدفوع، خون و غیره اذیت می‌شوند؛ در حالی که اذیت دیگران، بدون دلیل موجه شرعی به لحاظ عقلی و نقلی در اسلام حرام است.

#### ۲-۴. ممنوعیت نجاست نمودن در معابر منتهی به آب

همچنان در مشرع، بول و غائط نمودن مکروه است. «مَشْرَع» راهی مخصوصی است که واردین و نیازمندان آب از آن جا به محل آب می‌رسند؛ انسان یا دیگر جانداران از آن راه برای آشامیدن آب راه می‌روند (همان).

بنابراین، گزاره‌ی فقهی مذکور با منع قضای حاجت در «راه آب» بر حفاظت و پاکیزگی محیط زیست تأکید نموده است. به دلیل این که ممنوعیت نجاست نمودن در مسیر عبور و مرور جاندارانی که به محل آب می‌روند، علاوه بر آلودگی عابرین، باعث آلودگی محل آبخور می‌شود، آنگاه آلودگی از طریق آب آلوده به همهی جانداران از جمله به انسان سرایت می‌کند.

براین اساس، مطابق بینش فقه اسلامی وقتی آلوده نمودن مسیر محل «آب» ممنوع است، آلوده کردن عناصر اصلی محیط زیست مانند «آب، خاک و هوا» به طریق اولی، ممنوع و حرام خواهد بود.

#### ۳-۴. ممنوعیت غائط و ادرار نمودن در حریم منازل

مکانی دیگر که از منظر فقه مدفوع یا تخلی کردن در آن مکروه اعلام شده، محلی به نام «فناء» است. کلمه‌ی «فناء» به کسر فاء عبارت است از طول و امتداد اطراف منازل. تخلی و دفع نجاسات در مواضع و محل‌های اطراف خانه در صورتی که (محل) داخل ملک دیگران نباشد، مکروه است؛ ولی اگر مواضع اطراف منزل (فناء) داخل ملک دیگری باشد، بدون اجازه مالک، تخلی کردن (قضای حاجت) در آن محل حرام است (همان).

#### ۴-۴. ممنوعیت نجاست نمودن در مکان اجتماع مردم

مکان دیگری که در فقه نجاست نمودن در آن منع شده، «مَلْعَن» و محل اجتماع مردم



است (مَلْعَن عبارت است از محل اجتماع مردم یا کنار راه یا درب خانه‌ها) چنین مکانی در زندگی شهری کنونی با مواردی متعددی از قبیل پارک‌ها، بازارها و اماکن تفریحی و سیاحتی تطبیق می‌شود. عقل نیز زشتی نجاست کردن در این اماکن را درک می‌کند و ممنوعیت نجاست نمودن در اماکن عمومی را (که با رویکرد نقلی در منابع روایی و فقهی اظهار شده است)، عقل سلیم به‌خوبی تبیین می‌کند.

«و الملعن و هو مجمع الناس، أو منزلهم، أو قارعة الطريق، أو أبواب الدور» (شهیداول، ۱۴۰۸: ۹۱) «ملعن»، محل اجتماع مردم است، از قبیل: مکان معین، یا مکانی در راه، یا اینکه (سکویی کنار) درب منازل که برای نشستن می‌باشد.

«مَلْعَن» به‌معنا محل لعنت کردن کنایه است از این‌که مردم وقتی نجاست انسان را در محلی که برای نشستن و اجتماع انسان است ببینند، شخص نجاست‌کننده را لعنت می‌کنند. بلکه بول و غائط کردن ممنوع است در هر جایی که نجاست انسان سبب آزار مردم شود و مردم با دیدن نجاست، آن شخص را لعنت می‌کنند (عاملی، ۱۴۲۷، ۱: ۱۶۳). همچنانکه حدیث پیامبر<sup>ص</sup> که در منابع روایی شیعه و سنی مشاهده می‌شود از بول و غائط نمودن در «ملاعِن سه‌گانه‌ی» ذیل نهی نموده است: ۱- ممنوعیت غائط و ادرار نمودن در راه؛ ۲- ممنوعیت غائط و ادرار نمودن در سایه‌ی درخت، ۳- ممنوعیت غائط و ادرار نمودن در کنار آب جوی و دریا (جمال‌الدین حلی، ۱۴۰۷، ۴: ۶. ابو‌عبدالله، ۱۴۱۸، ۱: ۱۱۹).

#### ۴-۵. ممنوعیت نجاست نمودن زیر درختان میوه

مکان دیگر که تخلی کردن در آن از منظر از شرع منع شده، زیر درخت میوه است؛ حتی درختی که شأنیت میوه دادن را دارد؛ اگرچه فعلاً ممکن است میوه نداشته باشد، نجاست نمودن نزدیک درخت و در حریم اطراف آن، از منظر شرع اسلامی ممنوع است. برای مثال در فصل‌هایی مانند پاییز، زمستان و بهار که اغلب درختان مُثْمِر، میوه ندارند، یا اینکه نهال درخت مُثْمِر که در آینده شأنیت میوه دادن را دارد، نجاست نمودن زیر آنها یا در حریم این نوع درختان، ممنوع است. محل ممنوعیت تخلی یا بول کردن تا جایی است که وقتی میوه از درخت می‌افتد تا آنجا معمولاً پنخش می‌شود؛ اگرچه آن‌جا ممکن است زیر درخت میوه نباشد و اطراف درخت باشد (همان).

بنابراین، ممنوعیت تخلی نمودن زیر درختان میوه یا اطراف آن و دیگر اماکنی که در فقه، ممنوعیت تخلی در آنها بیان شده، به عنوان مثال است، نه اینکه مصادیق ممنوعیت نجاست کردن در محل های مذکور منحصر شده باشد.

بنابراین، ممنوعیت شرعی نجس نمودن اماکن مذکور، شامل دیگر نجاسات نیز می شود؛ زیرا، دفع و دور ریختن هر نجاستی اعم از ادرار و غائط و غیره، همچنین دور ریختن نجاست حیوانات خانگی مانند سگ و گربه در اماکن عمومی، پارک ها و چمنزارهایی شهر و بازار که سبب آلودگی محیط زیست و باعث انتشار آلودگی و پخش میکروب ها می گردد، از منظر فقه ممنوع است. حتی ریختن نجاسات انسان یا حیوانات حرام گوشت، اطراف درختان میوه نیز در بینش فقهی ممنوع است، تا جایی که معمولاً میوه موقع افتادن از درخت به اطراف درخت پخش می شوند. چنین نگرشی در فراهم نمودن حقوق بهداشت و نظافت محیط زیست در صورتی که عملاً رعایت شود، کمک زیاد خواهد نمود؛ همچنانکه سلامتی انسان با استفاده از میوهی پاکیزه با این رویکرد فقهی، تأمین می گردد.

### قواعد بازدارندهی فقهی از آلوده نمودن محیط زیست

قواعد فقهی این فصل با رویکرد بازدارندگی کیفری به منظور اجتناب از آلودگی محیط زیست ارائه می گردد و پشتوانهی فقهی حقوق محیط زیست به شمار می آیند. چنین قواعدی کمک خواهد نمود که انسان مکلف نسبت به مسئولیت خود در برابر محیط زیست آگاه گردد؛ در نتیجه انسان آشنا با قواعد بازدارندهی فقهی، از آلوده کردن محیط زیست اجتناب می کند و برای صیانت از حقوق محیط زیست تلاش خواهد نمود.

#### ۱. جلوگیری از آلودگی محیط زیست با استناد به قاعدهی «لاضرر»

قاعدهی فقهی «لَا ضَرَر» مبنای روایی دارد و در منابع روایی شیعی و سنی با اندک تفاوت روایتی از پیامبر اسلام نقل شده که ضرر رساندن به دیگران و متضرر شدن خود شخص ممنوع اعلام شده است (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۰: ۴۸۶. بغدادی، ۲۰۰۸م، ۱: ۳۱۳). استفادهی فقهی این قاعده معمولاً در فقه برای دادوستدهای روزمره و معاملات خرد و کلان تجاری کاربرد دارد و به صورت صریح در زمینهی مسائل حقوقی و اخلاقی محیط زیست از جمله در مورد آلودگی محیط زیست در کتب فقهی مشهور، بررسی نشده است.





علی‌رغم این، به‌خاطر عمومیت و اطلاق قاعده‌ی «لَا ضَرَرَ» کاربرد آن در راستای حمایت از حقوق محیط زیست امکان دارد و با استناد به این قاعده مهم فقهی می‌توان آلودگی محیط زیست را یکی از مصادیق ضرر زدن به محیط زیست بر شمرد که مطابق قاعده‌ی مذکور، ممنوع است و پدید آوردن هر نوع آلودگی زیانبار زیست محیطی به‌عنوان عمل انسانی حرام خواهد بود.

بنابراین، نخست ضرورت دارد که واژگان قاعده‌ی «لَا ضَرَرَ» از قبیل: کلمه‌ی «لا»، واژگان «ضَرَر» و «ضِرَار» بررسی گردد آنگاه نسبت این قاعده با موضوع جلوگیری از آلودگی محیط زیست تبیین گردد.

شیخ انصاری فقیه معروف شیعی تحقیق ارزشمندی را در مورد حدیث «لا ضرر و لا ضرار» به‌یادگار گذاشته است. روایت مذکور را ایشان در موارد متعددی مانند قضاوت رسول خدا<sup>۱</sup> میان سمره پسر جندب و مردی از انصار، قضاوت آن حضرت<sup>۲</sup> در مورد حق شفعه بین دو شریک، قضاوت پیامبر<sup>۳</sup> در مورد به‌کار گرفتن اضافه آب چاه برای آبیاری درختان خرما و... نقل نموده و فراوانی روایات در این زمینه را سبب بی‌نیاز بودن از ملاحظه‌ی سند روایت دانسته است (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۲).

معنای زبان‌شناختی و عرفی «ضرر و ضرار» را می‌توان جزء واژگان بدیهی بر شمرد، همانطور که شیخ اعظم انصاری معنای عرفی «ضرر» را (که به‌معنای وارد شدن ضرر به یک شخص یا به‌اشخاص متعدد است) معلوم و روشن دانسته است (همان، ۱۱۲). اما در اصطلاح محققین تفاوت‌هایی برای آن دو مشاهده می‌شوند و معانی اصطلاحی چندی برای «ضَرَر و ضِرَار» نگاشته اند. واژه‌ی «الضَّرُّ» (مصدر فعل «ضَرَّه یَضَرُّه») به‌معنای انجام کار مکروه و ناپسند است به‌گونه‌ی که به‌دیگری زیان وارد کند. («ضَرَر» که جمع آن «أَضْرَار» گفته شده به‌معنای زیان، سختی و تهیدستی و بدحالی است). گاهی «ضرر» به‌نقصی که در اعیان و موجودات خارجی باشد، استعمال می‌شود (الفیومی، ۱۴۱۴: ۳۶۰).

به‌هرصورت، شیخ انصاری معانی اصطلاحی متعددی را با بینش فقهی برای قاعده‌ی نفی ضرر (متناظر به حدیث لا ضرر) ترسیم نموده است: ۱ - ضرر، به‌معنای نفی وجود خارجی زیان نیست، زیرا که زیان و ضرر در خارج وجود دارد؛ در نتیجه لازم است کلمه‌ی

«لا» ناهیه باشد و نهی «ضرر» به معنای حرام بودن انجام فعل زیانبار است.

۲- ضرر نفی شده (در حدیث پیامبر که به قاعده‌ی لا ضرر شهرت یافته) در جای است که ضرر قابل تدارک نباشد (ضرر مجرد از تدارک)، در این صورت اگر در مقابل ضرر نفی به دست آید و ضرر قابل جبران باشد، چنین موردی ضرر نامیده نمی‌شود. بنابراین، إتلاف مال بدون پرداخت خسارت آن، نفی شده که انجام این نوع ضرر از منظر اسلام منفی و حرام است (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۴).

۳- منظور از نفی ضرر در قاعده‌ی «لا ضرر» نفی حکم شرعی است که بر ضرر بندگان باشد و چنین حکمی در اسلام وضع نشده است. به تعبیر دیگر، حکمی شرعی که در عمل مستلزم زیان و ضرر بندگان باشد، در اسلام وضع نشده است. مثلاً گفته می‌شود: معامله‌ی توأم با فریب، بر ضرر شخص فریب خورده (و مغبون) است که از منظر شرع انجام و التزام به آن نفی شده؛ همچنین وجوب وضوء در صورتی که مکلف آسیب و ضرر ببیند، در شریعت نفی شده [و وظیفه‌ی مکلف تیمم بدل از وضوء است] (همان).

در مورد تفاوت «ضرر و ضرر» گفته شده، «ضرر» به معنای وارد نمودن زیان به دیگری است، ولی «ضرر» زیان وارد نمودنی است که برای کیفر و در پاسخ ضرر انجام می‌شود (سائر، ۲۰۰۹م: ۳۷۲).

بنابراین، حدیث «لا ضرر» که در منابع روایی مذاهب اسلامی نقل شده، مبنای نقلی حرمت زیان زدن به دیگران، است که امروزه شامل حرمت زیان وارد نمودن به محیط زیست نیز می‌شود، زیرا تحریم زیان زدن به انسان از باب مثال است و حکم کلی حرمت زیان وارد نمودن از قبیل انتشار آلودگی و امراض به محیط زیست و جانداران آن تطبیق می‌شود. به هر حال، تبیین قاعده‌ی «لا ضرر» مقدمه‌ی است برای فراهم نمودن پاسخ در مورد چیستی ارتباط قاعده‌ی مذکور با موضوع جلوگیری از آلودگی محیط زیست. قاعده‌ی «لا ضرر»، یکی از مبانی اساسی حفاظتی فقه اسلامی در راستای صیانت از حقوق محیط زیست به شمار می‌آید که جلوگیری از آلودگی محیط زیست یکی از این حقوق است. به استناد قاعده «لا ضرر» احکام شرعی فعالیت‌ها و عملکردهای زیانبار انسانی نسبت به محیط زیست قابل تبیین است و با پشتوانه‌ی آن از حقوق محیط زیست حمایت می‌شود.



باتوجه به توضیح فقهی که در مورد قاعده‌ی «لا ضرر» اظهار شد، وجود حکمی شرعی که عملاً مستلزم زیان و ضرر بندگان باشد، منتفی است، دامنه‌ی این نگرش فقهی را می‌توانیم به محیط زیست، جانداران و عناصر محیط زیست نیز گسترش دهیم و معتقد شویم حکم شرعی که مستلزم زیان به محیط زیست باشد، وضع نشده است. همچنانکه لازم است گفته شود احکام رفتارهای زیانبار انسان نسبت به محیط زیست (از قبیل تخریب محیط زیست، آلوده نمودن آن و انتشار آلاینده‌ها، شکار غیر قانونی حیوانات، قطع درختان، نابود کردن پوشش گیاهی و...) با استناد به قاعده‌ی «لا ضرر»، ممنوع بوده که در شریعت نهی و تحریم شده است. به دلیل این که نفی ضرر به صورت عام و نامعین (نکره) اظهار شده که هر نوع حکم زیان آور را در مورد محیط زیست و جانداران آن از جمله انسان، نفی و منع نموده است.

به تعبیر دیگر، به موجب اصل «لا ضرر»، در اسلام زیان رساندن به دیگران، به هیچ وجه مشروعیت ندارد چه در مرحله وضع قانون و چه در مرحله اجرای آن، اگر قانونی به تصویب برسد که موجب ورود زیان به فرد یا جامعه شود و یا در مرحله اجرا موجب زیان گردد از نظر اسلام مشروعیت ندارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ۲: ۵۷۳).

برخی از فقیهان معاصر شیعی نیز با استناد به قاعده‌ی «لا ضرر» بر حفاظت محیط زیست و ممنوعیت تولید آلاینده‌ها این گونه تصریح نموده است: «اسلام به ضرر دیگران رضایت نمی‌دهد، وجود هر نوع تولید زیان آور را ممنوع می‌کند، خصوصاً تولید فرآورده‌ی که به زیان عظیم اجتماعی منجر شود و یا حقوق گسترده دیگران را پایمال کند؛ مانند تولیداتی که به تخریب محیط زیست، به خطر افتادن زندگی آبزیان و حیوانات، نابودی جنگل‌ها و آلودگی دریاها و یا تولید صلاح‌های کشتار جمعی منجر گردد» (مکارم، ۱۳۸۹، ۲: ۳۳۴). به هر حال، مطابق قاعده‌ی لا ضرر هرگونه تصرف، تغییر و بهره‌برداری از جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست محیطی را می‌توان در چهارچوب قاعده لا ضرر مورد بحث قرار داد که نمونه‌های از آن در زیر ارائه می‌شود.

ا- ریختن زباله در جاهایی که اثرات آن بر انسان و محیط زیست زیان برساند مانند نفوذ



پساب‌های نفتی به سفره‌های آب زیرزمینی.

ب - بهره‌برداری غیر مجاز از ذخایر طبیعی مانند چاه‌های نفت و گاز که منجر به ضرر نسل‌های آینده می‌شود.

ج - استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه‌های غیر استاندارد به خصوص در نزدیکی شهرها.

ه - ایجاد آلودگی صوتی به گونه‌ای که مزاحم شهروندان باشد مانند صدای کارخانجات نزدیک شهر [و هرنوع آلودگی صوتی که آسایش مردم را بدون توجیه شرعی سلب نماید] (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ۲: ۵۷۳).

## ۲. جلوگیری از آلودگی محیط زیست با استناد به قاعده‌ی «إتلاف»

معنای زبان‌شناختی و لغوی «إتلاف» واضح و روشن به نظر می‌رسد که به معنای نابود کردن چیزی است، لذا جزء واژگان بدیهی حساب می‌شود. به همین جهت است که در بسیاری از کتب فقهی با صرف نظر از تعریف آن، احکام شرعی مصادیق إتلاف بررسی شده و در برخی موارد به تعریف یکی از اقسام آن اکتفا شده است.

به هر صورت، باید پرسید قاعده‌ی فقهی إتلاف با موضوع حقوق بهداشت محیط زیست چه ارتباط دارد؟

«إتلاف» در بینش فقهی به «مباشر» [که خود شخص چیزی را نابود کند] و إتلاف «سَبَبِی» (تَسَبُّبِی)، تقسیم شده است. با واضح شمردن معنای قسم نخست؛ تعریف «إتلاف تسبیبی» عبارت است از «ایجاد چیزی که سبب إتلاف چیزی دیگر شود». مانند این که شخصی چاهی در راه حفر کند، انسان یا حیوانی در آن سقوط نماید، یا ناودانی را به سمت راه (کوچه و خیابان) بگذارد که به واسطه‌ی آن به عابر ضرر وارد شود (با سقوط ناودان یا ریزش آب، عابر ضرر یا آسیب ببیند؛ از قبیل ترشدن لباس یا نجس شدن لباس و بدن). در این صورت، انجام‌دهنده‌ی سبب، ضامن است و باید غرامت شیء تلف شده را بپردازد، اگر مثلی است، مانندش و اگر قیمتی است قیمتش را بپردازد، اگر چنین کاری سبب معیوب شدن مال شود، لازم است ارش (تفاوت قیمت صحیح و معیوب) آن را پرداخت نماید (خمینی، ۱۳۸۴: ۶۵۷).



حکم اولی اتلاف مال دیگری از جهت تکلیفی (حکم تکلیفی)، حرمت و از جهت وضعی (حکم وضعی)، ضامن بودن مال تلف شده است. اما، مواردی به دلیل خاص از این حکم استثنا شده؛ در برخی از این موارد، حرمت بدون ضمان ثابت است - مانند اتلاف صید (شکار حیوان در هنگام حج) و اتلاف گیاه حَرَم برای انسان مُحَرَم (در ایام حج) گرچه کفّاره (جریمه) در موارد مذکور ثابت است.

در برخی دیگر، برعکس است مانند خوردن یا استفاده کردن مال دیگری در حال اضطرار که استفاده کننده ضامن قیمت آن است؛ بدون این که مرتکب حرام شده باشد. در مواردی نیز نه ضمان دارد و نه حرمت مانند اتلاف و نابودی هیأت و شکل آلات لهو و قمار که ملک غیر اند و نیز موردی که فردی به اکراه دیگری، مال غیر را نابود کرده است، در این صورت، ضمان بر عهده اکراه کننده است نه به عهدهی اکراه شده (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ۱: ۲۲۶).

بنابراین، باتوجه به معنای فقهی «اتلاف» و احکام شرعی آن، ضرورت دارد ارتباط این قاعده با موضوع جلوگیری از آلودگی محیط زیست، تبیین گردد. زیرا، هریک از حکم تکلیفی و وضعی اتلاف مال دیگران در زمینهی تخریب و آلوده کردن عمدی محیط زیست نیز منطبق می شود. در این میان، آلودگی محیط زیست در ردیف «اتلاف سببی» که اتلاف غیر مباشر است، قرار می گیرد و آلودگی ها باتوجه به میزان آلایندهی که دارند سبب اتلاف و نابودی عناصر محیط زیست یا باعث معیوب شدن آنها می شوند.

به عنوان مثال، گرم شدن زمین و تغییرات اقلیمی آب و هوا، معلول صدور آلاینده های کشورهای است که چرخه ی کارخانه های آنان مبتنی بر سوخت های فسیلی باعث وضع نامطلوب زمین و آلودگی عناصر آب و هوای محیط زیست شده است. نتایج نامطلوب آلودگی ها که تمام کشورها را با فجایع متعددی خشکسالی، قحطی، سیل و... مواجه نموده است. براین اساس، حکم تکلیفی قاعده ی اتلاف که تحریم نابود کردن مال دیگران است با موضوع آلودگی محیط زیست نیز تطبیق می شود و آلوده کردن محیط زیست به لحاظ تکلیفی، حرام تلقی می شود.

همچنانکه حکم وضعی قاعده ی اتلاف که عبارت است از پرداخت غرامت در عوض



مال تلف شده با مسئله‌ی آلودگی محیط زیست تطبیق خواهد شد. براین اساس، تخریب محیط زیست و هرنوع ضرر و زیانی از قبیل شکار غیر قانونی حیوانات، تخریب جنگل و قطع درختان، برهنه‌سازی خاک از طریق نابود کردن پوشش گیاهی، آلودگی مناطق مسکونی و شهری با زباله‌های خانگی، شهری و صنعتی و ایجاد آلودگی‌های صوتی و غیره، از مصادیق إتلاف شمرده می‌شود و باعث زیان محیط زیست اند. لذا، محاکم قضایی ذی صلاح می‌توانند آلودکنندگان را تحت پی‌گرد قانونی قرار دهند و مطالبه‌ی جبران خسارت نسبت به محیط زیست نمایند.

قاعده‌ی إتلاف در فقه حنفی نیز به مناسبت مسائل غصب و غیره مشابه فقه شیعی به صورت پراکنده (در صورتی که مال دیگران به دست غاصب تلف شود) مورد بررسی قرار گرفته؛ همچنین به مناسبت موضوع إکراه که شخص اکراه کننده و مُکَرَّه به طور مشترک ضامن إتلاف مال و جان دیگران اند، مسئله‌ی إتلاف مال دیگران مورد بحث فقهی واقع شده است (الموصلی الحنفی، ۱۳۵۶، ۲: ۱۰۸).

به هر صورت، مواردی متعددی از مسائل فقهی إتلاف در هریک از فقه شیعی و حنفی با موضوع آلودگی محیط زیست که منجر به إتلاف عناصر محیط زیست می‌گردد، منطبق می‌شود و نشان‌دهنده‌ی ارتباط نگرش فقهی قاعده‌ی إتلاف با موضوع آلودگی محیط زیست است. وضع قوانین توسط قانونگذار مشروع در حمایت از حقوق محیط زیست بر مبنای قواعد مذکور و دیگر قواعد فقهی، سبب جلوگیری آلودگی محیط زیست خواهد شد. همچنانکه آگاهی مردم در مورد حق بنیادی «بهداشت و نظافت محیط زیست» می‌تواند در بهبود آب و هوا و کاهش تولید آلاینده‌ها کمک نماید با این هدف که عناصر آب، هوا و خاک محیط زیست از آلودگی نجات یابند.

بنابراین، آلودگی عناصر محیط زیست مانند آلودگی آب، هوا و خاک توسط زباله‌های خانگی، شهری و صنعتی، همچنین تخریب غیر قانونی محیط زیست، قطع درختان، شکار حیوانات، استفاده‌ی زیانبار از معادن محیط زیست و... در چهارچوب قاعده‌ی إتلاف فقهی، قابل بررسی است. آلودگی و تخریب محیط در صورتی که سبب زیان و ضرر محیط زیست گردد إتلاف و نابودی مباشر یا تسبیبی محیط زیست به شمار می‌آید.



آلوده کردن محیط زیست اضافه بر ارتکاب حرمت تکلیفی إتلاف، حکم وضعی إتلاف را نیز در پی دارد. لذا آلوده کننده‌ی محیط زیست باید توسط محاکم ذی صلاح و مشروع قضایی محکوم به پرداخت خسارت گردد.

### ۳. جلوگیری از آلودگی محیط زیست با استناد به قاعده‌ی «تَعَدّی و تَفْرِیط»

قاعده‌ی تعدی و تفریط، سومین قاعده‌ی است که با رویکرد بازدارندگی کیفری در راستای جلوگیری از آلوده کردن محیط زیست (همچون قواعد دیگر فقهی مذکور) استفاده می‌شود. در مورد تعریف قاعده‌ی تعدی و تفریط نسبت به مال دیگران گفته شده: «منظور از تعدی، تصرف خارج از حد متعارف است؛ اما تفریط، عبارت است از «إهمال و تسامح در حفظ أمانت» (مصطفوی، ۱۴۲۳: ۱۲۰).

اگرچه کاربرد این قاعده در زمینه‌ی تعدی به أمانت و کوتاهی در نگهداری آن است که چیزی به عنوان ودیعه یا عاریه، نزد أمانت‌دار گذاشته شود و در نگهداری آن کوتاهی و إهمال‌کاری نماید. اما قاعده‌ی تعدی و تفریط در نتایج و پیامدها با قاعده‌ی إتلاف اشتراکاتی دارد که شخص غیر امین خسارت وارده بر مال دیگران را باید بپردازد.

قاعده‌ی تعدی و تفریط در أمانت که مسائل تخلف یا کوتاهی به أمانت را تبیین می‌کند، در کتب فقهی بررسی شده است. اما ارتباط این قاعده با جلوگیری از آلودگی محیط زیست و حقوق بهداشت محیط زیست تاکنون واکاوی نشده و تنها پژوهش حاضر عهده‌دار استخراج نسبت میان دو موضوع مذکور است.

هرچند که محیط زیست هر کشور مال شخص یا اشخاص معین نیست، بلکه به عنوان سرمایه‌ی ملی به همه‌ی مردم آن کشور تعلق دارد، اما در أمانت إلهی بودن محیط زیست شکی نیست که هر فردی مسئولیت دارد از آلودگی محیط زیست به عنوان عمل تکلیفی حرام اجتناب نماید و برای بهبود بهداشت و نظافت آن تلاش کند.

براین اساس، در صورت إهمال و سهل انگاری در مورد حقوق محیط زیست که عمداً آن را آلوده یا تخریب نماید، یا به منابع طبیعی محیط زیست تعدی صورت بگیرد، اضافه بر ارتکاب حرمت تکلیفی با حکم وضعی ضامن بودن و مورد محاکمه قرار گرفتن نیز مواجه است. بنابراین، فعالیت‌های انسانی در محیط زیست به عنوان فعل انسان مکلف در چهارچوب



احکام تکلیفی پنجگانه (مباح، وجوب، حرمت، مستحب و مکروه) و احکام وضعی بررسی می‌گردد. فعالیت مفید انسان در محیط زیست از قبیل کاشت نهال، کشاورزی، عمران و آبادانی که زیانبار نباشد دارای حکم تکلیفی مستحب است، اگر چنین فعالیتهایی به مرحله‌ی نیاز و ضرورت جدی برسد، تحت حکم وجوب مندرج خواهد شد. همچنان تصرفاتی که آسیب جدی به محیط زیست وارد نمی‌کند از قبیل قطع درختان برای پروژه‌ی راه‌سازی و شهرسازی که با کاشت نهال در مکان دیگر جبران گردد مشمول همین حکم خواهد شد. اما فعالیت‌های زیانبار و آسیب زننده به محیط زیست، تحت حکم تکلیفی حرام مندرج می‌شود.

به هر حال، فعالیتهایی زیست محیطی انسان در چهارچوب قاعده‌ی تعدی و تفریط فقهی از این جهت قابل سنجش است که فعالیت‌های منفی انسان در محیط زیست به نحوی تجاوز و ستم به آن شمرده می‌شود. در نتیجه، کوتاهی و تفریط در مورد محیط زیست مانند دست‌درازی ظالمانه به آن، سبب ضامن بودن متجاوز و إهمال کار است.

محیط زیست با همه‌ی عناصری «آب، هوا و خاک»، حاوی نعمت‌های فراوان خشکی و دریایی و موجودات خرد و بزرگ مطابق بینش توحیدی امانت الهیست جهت تکامل طبیعی انسان تا از طریق انجام تکالیف الهی در جهان طبیعی، به سعادت دائمی جهان جاویدان آخرت راه یابد. براین اساس، جهان طبیعت و محیط زیست آن بازیچه و سرگرمی انسان نیست که مطابق میل خود در آن تصرف و با انواع آلاینده‌ها حقوق آنرا پایمال نماید، بلکه طبیعت و محیط زیست مقدمه‌ی است برای وصول انسان به حیات برتر اخروی که از طریق تکامل طبیعی انسان و انجام تکالیف الهی در طبیعت امکان پذیر است.

براین اساس، تعدی و تفریط وقتی به امانت انسانی موجب ضمان و پرداخت خسارت می‌شود، تصرف زیانبار به محیط زیست به عنوان امانت الهی به طریق اولویت باعث ضامن بودن آن است و عمل مضر انسان نسبت به محیط زیست، به عنوان حکم تکلیفی حرام خواهد بود.

تصرف زیانبار از قبیل آلوده کردن محیط زیست به خاطر تعدی یا کوتاهی نسبت به بهداشت و نظافت محیط زیست، از یک سو مشمول حکم تکلیفی حرمت است و از





سوی دیگر، در حیطه‌ی حکم وضعی پرداخت خسارت، قرار می‌گیرد که محاکم قانونی و مشروع می‌توانند انسان آلوده‌کننده‌ی محیط زیست و آسیب‌زنندگان به عناصر محیط زیست را مطابق قانون محاکمه نمایند.

## نتایج

۱. قواعد فقهی که زندگی مطلوب الهی (حیات طیبه‌ی) را برای انسان مشخص می‌کند نسبت به محیط زیست ساکت نیست، جایگاه حقوق محیط زیست و مسئولیت انسان را در مورد نظافت محیط زیست، نیز می‌تواند معین کند. سامان‌دهی اعمال و رفتار انسان در پرتو قواعد فقهی (لاضرر، إلتلاف، ضمان و...) جهت رعایت حقوق بهداشت محیط زیست، مستلزم رویکرد اجتناب از آلوده‌سازی محیط زیست می‌باشد.

۲. شناخت احکام فقهی اعمال انسان در مورد محیط زیست در صورتی به بهداشت محیط زیست کمک می‌کند که همراه با آگاهی مردم به‌صورت مناسب از طریق رسانه‌ها و آموزش همواره مورد اطلاع رسانی قرار بگیرد.

۳. هرنوع آلودگی از قبیل: انتشار آلاینده‌های دودزا، دفع ادرار و غائط انسان و حیوانات، بلکه هرنوع نجاست و زباله‌ی که باعث آلودگی محیط زیست گردد و سبب انتشار امراض باشند، از دیدگاه شریعت و فقه اسلامی، در محل‌های زیست و زندگی و رفت و آمد مردم (مانند معابر عمومی، پارک‌ها، کوچه و خیابان و...) عمل حرام است.

۴. نهادهای قانونی مسئولیت الهی دارند با اشخاصی که سبب انتشار آلودگی در محیط زیست شده و از این طریق باعث آزار و اذیت دیگران می‌شوند، برخورد قانونی نمایند.

۵. حکومت‌ها مسئولیت شرعی دارند که در اماکن عمومی (شهرها، پارک‌ها، ترمینال‌ها و...) تشناب‌های مجهز (توالت) بسازند تا مردم در فضای باز قضای حاجت نکنند. در مقابل، وظیفه‌ی مردم پاک نگهداشتن چنین اماکنی است تا حقوق بهداشت محیط زیست و حقوق عموم مردم رعایت شوند. براین اساس، به‌دلیل وجوب اجتناب از ضرر زدن به دیگران و دوری از اذیت مردم، واجب است که محل خروج نجاست



بول و غائط انسان، مطابق رهنمود شریعت اسلامی با «آب» پاک گردد. لذا استفاده از سنگ، کلوخ، پارچه و... در تشناب‌ها که موجب بسته شدن نل‌های فاضلاب می‌شوند، به‌خاطر انتشار آلودگی و میکروب‌ها و آسیب زدن به تشناب‌ها، حرام است. ۶. رهاکردن نجاسات (بول و غائط و غیره) در محل دید دیگران از نظر شریعت اسلامی حرام بوده و فاعل چنین کاری مستحق لعن و نفرین می‌باشد. همانطور که پیامبر اسلام فرمود: «اتقوا ملاعن الثلاث»، از دفع نجاست در مکانهای سه‌گانه‌ی (مذکور) که مورد لعن و نفرین واقع می‌شوید، بپرهیزید.

۷. رهنمود پیامبر در مورد اجتناب از نجس کردن اماکن عمومی مذکور از باث مثال است، نه تعیین مصداق، لذا نجس کردن هر مکانی که سبب نفرین و لعن انجام‌دهنده‌ی آن گردد (به‌خصوص از طریق دفع ادرار و مدفوع انسانی) از نظر اسلام، حرام است. ۸. آلودگی مورد تحریم شریعت از طریق رهاکردن نجاسات (بدون شستشو و تطهیر مکان نجس شده) ممکن است توسط افرادی که فاقد بهداشت بوده یا روستایی‌اند در تشناب‌ها صورت بگیرد یا در فضای باز، سبب آلوده شدن محیط زیست، شود که اذیت دیگران را در پی دارد. چنین عملی که ضد بهداشت و مخالف انسانیت است، با ممنوعیت حکم تحریم شرعی مواجه است.

۹. سرشت انسان پاک بوده، رعایت بهداشت و پاکی خویشتن و محیط زیست، نشانگر شخصیت و بیانگر وجود ایمان درونی انسان است؛ در مقابل، ناپاکی و آلودگی انسان و محیط زیست، نشانگر، سبک‌مغزی و کم‌ایمانی انسان است.

قرآن کریم.

۱. ابن ابی عقیل عمانی، حسن (۱۴۱۳ هـ ق) حیاة ابن أبی عقیل و فقهه، قم، مرکز معجم فقهی.
۲. ابن ادريس، محمد (۱۴۱۰ هـ) السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، ج ۱ و ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن مودود الموصلي، عبدالله (۱۴۲۶ هـ) الاختيار لتعليل المختار، ج ۱ و ۳، بيروت، دار الكتب العلمية.
۴. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴) معجم مقاييس اللغة، ج ۱، قم، مكتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴) لسان العرب، ج ۱، بيروت، دارصادر.
۶. ابن نجيم حنفی، زين الدين (بی تا) البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ج ۱ و ۸، بيروت، دار الكتاب الإسلامی.
۷. ابوالصلاح حلبی، تقی الدين (۱۴۰۳ هـ ق) الكافي في الفقه، كتابخانه عمومی امام امير المؤمنين، اصفهان.
۸. ابوعبدالله، محمد (۱۴۱۸ ق) سنن ابن ماجه، بيروت، دار الجيل.
۹. استر آبادی، محمد (۱۳۹۴) آیات الأحكام في تفسير كلام الملك العلام، تهران، کتابفروشی معراجی.
۱۰. انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱ - ۷، انتشارات سخن، تهران.
۱۱. بغدادی، احمد (۲۰۰۸ م) مسند احمد، ج ۲۲، بيروت، دار الكتب العلمية.
۱۲. جمال الدين حلی، احمد (۱۴۰۷) المذهب البارع في شرح المختصر النافع، ج ۴، قم، انتشارات اسلامی.
۱۳. جمعی از پدید آورندگان (۱۳۸۹) دانشنامه دانش گستر، ج ۱۵، مؤسسه دانش گسترروز، تهران.





۱۴. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ هـ.ق) فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت D، ج ۱، قم، مؤسسه دائرة المعارف بر مذهب اهل بیت.
۱۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵) مجموعه مقالات قرآن و طب، ج ۲، مشهد، بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه‌شاهد.
۱۶. جولیوس گولد، ویلیام ل. کولب، (گروه مترجمان) (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، انتشارات مازیار.
۱۷. حائری، علی (۱۴۱۸ هـ.ق) ریاض المسائل، ج ۱۳، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۸. حائری یزدی، مرتضی (۱۴۲۶ هـ.ق) شرح العروة الوثقی، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. حرّ عاملی، محمد (۱۳۷۶) الفصول المهمة في أصول الأئمة، ج ۱، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا.
۲۰. حرّ عاملی، محمد (۱۴۰۹ هـ.ق) وسائل الشیعة، ج ۹ و ۱۱، قم، مؤسسه آل البيت.
۲۱. حق شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۹۸) فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی-فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
۲۲. حلّی، مقداد، (مترجم: بخشایشی، عبدالرحیم عقیقی) (بی تا) کنز العرفان في فقه القرآن، ج ۱، قم، بی نا.
۲۳. خمینی، روح الله (۱۳۷۲) انوارالهدیة فی التعلیقة علی الکفایة، ج ۱، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. خمینی، روح الله (۱۳۸۴) تحریر الوسیلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۵. خیراندیش آذرمدخت (۱۳۸۶) دانشنامه زیست شناسی، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
۲۶. دفتر حقوقی و امور مجلس، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ج ۱، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۲۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، مؤسسه لغت نامه دهخدا، تهران.
۲۸. زبیدی، مرتضی محمد (۱۴۱۴ هـ.ق) تاج العروس، ج ۱۴، بیروت، دار الفکر.



۲۹. سائر بسمه جی (۲۰۰۹م) معجم مصطلحات الفاظ الفقه الاسلامی، دمشق، صفحات للدراسات و النشر.
۳۰. شریف مرتضی، علی (۱۴۱۷هـ ق) المسائل الناصریات، تهران، رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية.
۳۱. شمس‌الدین ذهبی، أبی‌عبدالله، محمد (۱۴۲۵هـ ق) تذهیب تهذیب الكمال فی أسماء الرجال، الفاروق الحديثة للطباعة والنشر.
۳۲. شهیداول، محمد (۱۴۰۸هـ ق) النفلیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳. شهیدثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳هـ ق) مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۲، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰) الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، قم، داوری.
۳۵. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۴هـ ق) رسائل فقهیه، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵هـ ق) کتاب الطهارة، ج ۱، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰هـ ق) کتاب المکاسب، ج ۱ و ۳، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار الکتاب.
۳۸. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵هـ ق) المقنع، قم، مؤسسه امام‌هادی.
۳۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳هـ ق) من لا یحضره الفقیه، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷هـ ق) الخلاف، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰هـ ق) الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۳، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ هـ ق) المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۱، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.



۴۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ هـ ق) النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، بيروت، دار الكتاب العربي.
۴۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ هـ ق) تهذيب الأحكام، ج ۱، تهران، دار الكتب الإسلامية.
۴۵. شیخی زاده الکلیبولی، عبدالرحمن (۱۴۱۵ هـ ش) مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر، ج ۱، بيروت، دار الكتب الإسلامية.
۴۶. شیرازی، محمد حسینی (۱۴۲۰ هـ ق) الفقه، البيئة، بيروت، مؤسسة الوعي الإسلامي.
۴۷. صاحب بن عباد، إسماعيل (۱۴۱۴)، المحيط في اللغة، ج ۱۰، بيروت، دار الكتب الإسلامية.
۴۸. عاملی، جواد (۱۴۱۹ هـ ق) مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۹. عاملی، محمد (۱۴۱۱ ق) مدارک الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۲، بيروت، مؤسسه آل البيت.
۵۰. عاملی، محمد حسین (۱۴۲۷ ق) الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، ج ۱، قم، دار الفقه للطباعة والنشر.
۵۱. علامه‌ی حلّی، حسن (۱۴۱۲) منتهی المطلب في تحقیق المذهب، ج ۱، مشهد، مجمع بحوث الإسلامية.
۵۲. الفيومي، احمد، (۱۴۱۴ هـ ق) المصباح المنير، قم، دار الهجرة.
۵۳. کلینی، محمد (۱۴۲۹ هـ ق) اصول کافی، ج ۱۰، قم، دار الحديث.
۵۴. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، قم، مؤسسة آل البيت.
۵۵. مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۳ هـ ق) فقه المعاملات، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۶. محقق تهرانی، محمدرضا (۱۴۰۵ ق) حقائق الفقه فی شرح شرائع الإسلام، قم، المطبعة العلمية.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹) دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۲، قم، انتشارات امام علی.
۵۸. موصلي الحنفی، عبدالله (۱۳۵۶ هـ) الاختيار لتعليل المختار، ج ۲، القاهرة، مطبعة الحلبي.